

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۲۱ جنوری ۲۰۱۲

کتابهای مقدس آسمانی

چهار کتاب

بخش اول

بعد از هزاران سال تجربه اسارت‌بار تحت تسلط ادیان و خرافات پرستان بر ما لازم افتاده تا این کتاب‌های «مقدس» را مثل دیگر کتاب‌ها خوانده و فکر و خرد خود را نه با خوش بینی و تکریم و تعبد و یا بد بینی و تنفر، در باره لزوم نازل شدن آن‌ها، ماهیت، نوشته‌های متن و تشریحاتی که دارند فقط برای حقیقت یابی واقعیت‌ها و روشن شدن ماهیت مؤلدين آن آیده‌ها که به نام‌های مقدس میلیارد ها انسان زحمت کش جهان را در بند کشیده و بر آن‌ها تحمیل و وسیله بهره برداری مهاجمین و زور گویان استثمار گر شده است به کار اندازیم.

این کتاب‌ها که به نام کتاب‌های مقدس و آسمانی ایمان داشتن به آن‌ها بر ما اجباری است باید بدون ترس داشتن در قلب و یا احساس گناه خوانده شود مخصوصاً تورات و قرآن؛ تا دیده شود در متن این کتاب‌ها چه چیزی مقدس است!!!؟؟ باید خود ما این کتاب‌ها را به زبان مادری خود مطالعه نماییم نه این که دکانداران و مال اندوزان دین‌ها به همان لسان مخصوص خود شان به ما تدریس و رابطه بین ما و فرستاده کتاب‌ها را قایم می‌سازند و ما با این عمل خود (یعنی مطالعه این کتاب‌ها) می‌توانیم تشخیص دهیم که آیا این کتاب‌ها و همچنان نشخوار چند آیت الله و حجت الاسلام، ملا و مولوی، خاخام، کشیش و داکتر اسلامی و امثالهم مقدس و آسمانی اند یا نه؟؟ و این کاری است بس ساده، که با مطالعه آن کتاب‌ها می‌توان به ماهیت مطروحه همه چیز پی برد و ریشه‌یابی نمود. در جریان مطالعه نباید فراموش نمود که اندازه دید و وسعت آگاهی آنچه بنیان گذاران ادیان ابراهیمی و نویسندگان کتاب‌های مقدس و دنباله روان شان در تحقق آن گلو پاره می‌دارند در این کتابها کل اراضی زمین و ممالک جهان را که توصیف می‌کنند از سر حدات خاور میانه و کشور روم تجاوز نمی‌کند و از موجودیت و زندگی مردمانی که دور تر از این حدود زندگی دارند اطلاعاتی ندارند و نه خبری از تمدن‌ها و کشور های پر جمعیت دنیا در این کتاب‌ها درج است و حدود جغرافیائی هر دین به وجود آمده هم در همان حدودی خلاصه می‌شود که پیامبران آن‌ها اطلاع داشته و با مردمان در تماس بوده‌اند مثلاً شما در هیچ کجای تورات از کشور پر جمعیت آن زمان یعنی چین، سرخپوستان

امریکای لاتین و غیره ممالک دور افتاده نمی خوانید چون داعیون نماینده خدا و همچنان نویسندگان آن کتاب‌ها همان قدر می گفتند و نوشتند که مغز های کوچک و رشد نیافته شان اجازه می داد. وجه مشترک ادیان ابراهیمی و پایه‌های اساسی ساخت این ادیان مانند هم اند مثل خدا، شیطان، بهشت و جهنم، جن، قیامت ... که البته در صحبت‌های جدا گانه به این مقولات دینی هم تماس گرفته و خواهیم گرفت.

نظر به روایات اسلامی در بین بشر ۱۲۴۰۰۰ پیامبر آمده که از آدم (اولین انسان ساخته شده دست خدا از گل) شروع و به محمد که دروازه پیامبری را بعد از خودش بست و خود را آخرین پیامبر اعلام نمود ختم می شود که از آن جمع فقط برای چهار پیامبر کتابها از آسمان نازل شد و برای چند نفر دیگر شان کتابها و یا یادداشت های کوچک به نام صحیفه فرستاده شده است که جمعا ۱۰۰ صحیفه قرار ذیل میباشد:

به شیت پیغمبر ۶۰ صحیفه، ۳۰ صحیفه به حضرت ابراهیم و ده صحیفه دیگر قبل از نزول تورات بر موسی نازل شده است. «البته نظریات دینی ها در این مورد متفاوت می باشد» اما در مجموع در تمام کتابها و صحیفه ها (که اثری از آنها موجود نیست) ارکان **شش گانه** که عبارت از ایمان به خدا، ملائکه، کتابها، پیامبران، قیامت و قضاء و قدر می باشد تأکید شده است.

«نظریه علمای اسلامی» و در سوره بقره آیت ۲۸۵ و چندین آیت دیگر در قرآن آمده که مسلمان واقعی کسی است که بر علاوه ایمان به خدا، محمد و قرآن باید به تمام پیغمبران و کتابهای آنها ایمان داشته باشد و سوره بقره آیت ۱۳۶ چنین می گوید: (بگوئید که ما مسلمین به خدا ایمان آوردیم و به آنچه از کتب آسمانی به ما نازل شده و آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و فرزندان شان و بر آنچه بر موسی و عیسی عطا شده و به همه آنچه بر پیامبران از جانب خداوند آورده اند ایمان داریم و میان هیچ یک از پیامبران فرق نگذاریم و ما تسلیم او هستیم.) نظر به ملاحظه آیات قرآن و احادیث محمد، مسلمان باید به آنچه در فوق گفته شد ایمان داشته و نمی توانند از آنها انکار نمایند شک آوردن در این مورد کفر می باشد.

تا آنجا که من می دانم انسانها در ابتداء به خاطر نا متکامل بودن و عدم رشد فکری و درک ماهیت واقعیات طبیعی پناه به موجودات ماوراء الطبیعه برده و دهها هزار سال بعد از آن، مردمی پیدا شده که خود را فرستاده آن موجودات حساب نموده و متاع بازار شان خریداران زیادی داشته است تا این که چند خدائی جایش را به خدای واحد داده و کم کم رواج عمومی پیدا نموده و نهایتاً با اعمال جبر و قدرت شمشیر و بعداً با همکاری خود فروخته های جوامع غرض رسیدن به منافع مادی و مقام های اجتماعی نزد مقدسین و فرستاده های خدای آسمانی در وطن ما و آخر هم اعراب و بعد آن بعد از گذشت قرن‌ها عادتاً بدون این که از ماهیت و اصلیت آن دین خود را باخبر سازند و کتاب‌هایی که می گویند آسمانی است مخصوصاً قرآن را به زبان مادری خود بخوانند و به محتوا و هدایت و یا داستانهای آن توجه داشته باشند اسلام را منحصیث یک دین آسمانی و مقدس پذیرفتند که از قرن هشتم میلادی به بعد نقش مفسرین و خادمان اعراب را در مسموم ساختن اذهان مردم نمی توان دید گرفته.

تعداد زیاد قریب به اکثریت مسلمانهای جهان به چهار کتاب آسمانی بدون این که بفهمند در آن کتاب‌ها روی چه موضوعاتی صحبت شده و خداوند در این چهار کتاب چه هدایاتی را برای بشر صادر نموده بدون چون و چرا به آن ایمان دارند و شعبده بازان دینی هم تا جایی که ممکن بوده جلو چنین اعمال یعنی وارد شدن مسلمانان به محتوای چهار کتاب آسمانی را گرفته و در مقابل دید مردم دیواری از پندار های خیالی و هیبت ناک احداث نموده اند تا مسلمان زحمت بررسی این کتاب‌ها را به خود نداده و چشم بسته باید به آنها ایمان داشته باشند.

بدر نظر داشت این که اگر انسان بنا باشد پیرو یک دین و مذهب باشد مفهوم و ماهیت دین و یا حد اقل یک قسمتی

از آن را به مفهوم واقعی آن باید بدانند اما تا جایی که بنده تحقیق نموده‌ام ۹۹ در صد از کسانی که به اسلام اعتقاد دارند روی فهم و دانش خود و یا مطالعه روی حقانیت اسلام مسلمان نبوده و نشده‌اند فقط انگیزه مسلمان بودن اوشان همانا متولد شدن در فامیل مسلمان - نام اسلامی داشتن و در چوکات مسلط اسلامی رشد و نمو و بزرگ شدن می باشد و در جریان همین سیر زندگی عادتاً بنا بر قوانین خانوادگی اجتماعی و تلقین امام های مساجد و دنباله روان اسلام خود را یک مسلمان یافته و مجبوراً در همان راه گام گذاشته و حتی تصور این که از امام و پیشوای دین شان سؤال کننده باشند در مغز شان خطور نکرده است در چنین شرایطی لازم می افتد تا در روشنی آنچه در متن این کتابها و سفسطه های دنباله روان شان که آن را شاخه و پنجه داده‌اند همه را باید به بحث کشیده و روی آن صحبت شود تا حقانیت موضوع روشن گردد و مسلماً با نظریه و بررسی سایر هموطنان در این مورد ماهیت این ادیان و کتاب‌هایی که می گویند آسمانی است روشن می گردد و اینک به ملاحظه اسناد معتبر تاریخی ادیان ابراهیمی و بیان‌هایی از خود این کتابها مختصراً این چهار کتاب را به تحلیل گرفته و خدمت هموطنان عزیز تقدیم می دارم تا آنهایی که هنوز توجه به چنین موضوعی نداشته‌اند حداقل بدانند به چه ایمان دارند و تقاضایم از هموطنان دیگر هم این است که بیایند و در مورد این کتابها و ادیان نظریات خود را ولو علمی هم نباشد مطرح سازند تا همه روشن گردند!!

ابتداء باید به عرض برسانم که این چهار کتاب آسمانی هیچ وجه تشابهی از نگاه نزول با هم نداشته و ندارند. یهودیان و مسیحیان در طول قرون متمادی عقیده داشتند که تورات به اساس گفت و گوی موسی با یهوه به دست خود موسی نوشته شده است این محمد و اسلام است که به آسمانی بودن آن تأکید و تأیید بیش از یهودیان دارد. اسپینوزا فیلسوف بزرگ هالندی و یهودی سرشناس در یکی از رساله های خود می نویسد:

«هیچ یک از کتاب‌های عهد عتیق توسط موسی و توسط دیگر پیامبرانی که مؤلف این کتابها شناخته شده‌اند نوشته نشده است بلکه بعد ها توسط کاهنان دیگری به نام آنها نوشته شده‌اند. منجمله تورات موسی را نوشته عزرا کاهن اعظم دوران بعد از اسارت بابلی یهود و فرستاده مخصوص خشایار شاه به اور شلیم می داند.»

این نوشته اسپینوزا طوفانی در جهان یهودیت به پا ساخت و خاخام های سراسر اروپا در جلسه‌ای در امستردام نفرین نامه معروفی را علیه او صادر نمودند. دو یهودی دیگر زیگموند فروید و البرت انشتاین اصالت تورات را با قاطعیت رد نمودند و همچنین ولتر نه تنها اصالت تورات را بلکه وجود خود موسی را به استهزاء گرفت. هیچ کدام از پیامبرانی که محمد ادعا دارد کتاب‌های آسمانی توسط جبرئیل به او شان از طرف خداوند ارسال شده چنین ادعائی نداشته‌اند. مثلاً:

موسی هرگز نگفته که این کتاب تورات برایش وحی شده بلکه همیشه ادعا داشته که آن همه گفت و گوی خودش با خداست. نه آنچه که محمد گفته که وحی است. همچنان عیسی بن مریم باکره هرگز کلمه انجیل و یا کتاب آسمانی را و شکل فرستادن آن را از طرف خدا نگفته است. او اصلاً از موجودیت چنین کتابی در دوران زندگی‌اش بی‌خبر بوده است و یا جمع اشعار و مدیحه سرائی داوود پادشاه- پیامبر را که محمد در قرآن به آن به نام (زبور) اشاره نموده است نمی توان کتاب آسمانی دانست چون تمام آن کتاب اشعار و مدیحه های سلیقه‌ئی داوود است نه چیزی وحی شده آسمانی!!؟؟ اگر خوانندگان محترم یک صفحه از این زبور را که رقصان اسلامی آن را کتاب آسمانی می دانند بخوانند متوجه خواهند شد که زبور چیست و داوود پادشاه و یا پیامبر در آن چه گفته است؟؟

ابتداء می پر دازیم به (تورات) کتاب خاص، قوم خاص یهود و (یهوه) خدای خاص یهود و (موسی) پیامبر خاص قوم یهود و خود طایفه یهودی و باور های آنان:

تورات :

لفظ عربی شده کلمه «تورا» به زبان عبری است که به معنای تعلیم، آموزش یا ارشاد است و تعداد زیاد یهودیان کتاب موسی را به معنای شریعتی می دانند که مشتمل (آفرینش - خروج - اعداد - تثنیه و لاویان) می باشد .

۱- در سفر تکوین یا پیدایش : داستان آفرینش جهان و سلسله نسب آدم و پیغمبران قبل از موسی تشریح شده است -
۲- در سفر خروج : مسایل بردگی یهود، تولد موسی، خروج بنی اسرائیل از مصر و سرگردانی آنها در بیابان است. ده فرمان موسی در همین بخش است

۳- سفر لاویان : شامل احکام دینی و شرعی و آداب و قواعدی است که حیثیت رهنمائی بنی اسرائیل را داشته و شامل عبادات، طهارت و پاکی و نهی از زنا و اعیاد مردم است

۴- سفر اعداد :- شامل مسافرت بنی اسرائیل در دشت که حوادثی که بین راه مصر و سر زمین موعود بر این قوم گذشته و فتح کنعان است

۵- سفر تثنیه : تکرار شرایع و مقررات و فرمانهای قبلی از زبان موسی به بنی اسرائیل به اختصار و تعیین یوشع به حیث رهبر اسرائیل و در گذشت موسی است. به عقیده بعضی از دانشمندان بخش هائی از تورات متعلق به ده قرن قبل از میلاد و جدید ترین بخش آن مربوط به ۵ قرن قبل از میلاد دانسته شده است در قرآن ۱۸ بار نام تورات ذکر شده است در سوره عمران آیات ۲ و ۳ از نازل شدن تورات و انجیل سخن رفته است تورات در حدود ۱۷۰۰ سال پیش از اسلام بوده است.

نظر به نوشته دایره المعارف بر تانیکا طبع سال ۱۹۰۰ م «خزائلی» در مقاله «تورات» در اعلام قرآن صفحات - ۲۶۰-۲۶۸ می نویسد که فعلا سه نسخه از تورات در دست است که هر کدام مقبول طایفه ای است:

۱- نسخه عبری -۲- تورات سامری -۳- تورات یونانی یا سبعینی که تورات عبری یا تورات موسی را دانشمندان یهود در تابوت عهد جا داده بودند و هر هفت سال آن را از تابوت بیرون می آوردند و بر یهود می خواندند و این تورات در اثر فتنه ها از بین رفت (نسخه عبرانی که فعلا در دست می باشد در قرن نهم میلادی تنظیم شده و در قرن پانزدهم م تکمیل شده است) اصول دین یهود دینی است منطقه ئی و نژادی که در هیچ جائی از تورات و یا احکام پراکنده و دیگر قوانین و کتابهای یهودی از جهانی بودن این دین سخنی به میان نیامده است.

در تورات به این امر مهم تأکید شده است که یهوه (خدای اسرائیل) پیامبران زیادی را فقط برای قوم اسرائیل فرستاد تا رمه های راه گم کرده را شبانی و گله را به راه راست که همانا راه یهوه است هدایت نمایند. به عبارت دیگر قوم بنی اسرائیل به عنوان (قوم برگزیده خدا) تنها کسانی هستند که حق یهودی بودن و بندگی یهوه را دارند و هر کسی حق ندارد بنده یهوه باشد چرا که به قوم یهود و اسرائیل تعلق ندارد. تشریحات متن تورات چنان که در بالا ذکر شد از همان قرار است و در بعضی موارد بین داستانهای نقل شده در آن با داستانهای که در قرآن ذکر شده تفاوت های جزئی وجود دارد مثلاً در داستان هابیل و قابیل که «زاغی طریقه دفن هابیل را به آدم یاد داد» و چندین داستان دیگر در باره ابراهیم، سلیمان و ملکه صبا، یوسف، داوود، طالوت و که البته به شرح آنان هم خواهیم پرداخت. داستانها که هرکدام آن با جزئیات بیشتر در هر دو کتاب شرح داده شده است و نتیجه گیری های یکسان دارند. همچنان در تورات و قرآن مشروعیت بردگی به شکل واضح بیان شده است و هم موقف اجتماعی زن نصف مرد حساب می شود.

ادامه دارد